



سخنرانی در دیدار اقشار مختلف امت شهیدپرور - 17 / مهر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز، بخصوص کسانی که از راههای دور و از شهرهای مختلف تشریف آورده‌اند، و به خانواده‌های معظم شهیدان و به رزمندگان عزیز و جانبازان عزیز و آزادگان عزیز و خانواده‌های محترم آنها خوش آمد عرض می‌کنم و توفیق همه‌ی شما برادران و خواهران را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم. جلسه‌ی امروز ما، به برکت وجود خانواده‌های محترم شهدا از نقاط مختلف کشور و بقیه‌ی ایثارگران و فداکاران راه خدا، جلسه‌ی باارزش و باشکوه است.

آن نکته‌ی که همه‌ی ملت ایران باید لحظه‌ی از خاطر نبرند، این است که نعمت خدا بر ما ملت، نعمت بسیار عظیمی است. در عصر سیطره‌ی ظلم و فساد، در عصری که قدرتهای استکباری مردم دنیا را با انواع مختلف فشار و شکنجه و استعمار و تحمیق و روشهای گوناگون استکباری در فشار قرار داده‌اند، در عصری که ملتها جرأت نمی‌کنند در مقابل سلطه‌ی استکباری نفس بکشند و غول زر و زور تقریباً سلطه‌ی خودش را بر دنیا گسترده است، در چنین دوران سخت و ظلمانی و دهشتناکی، این ملت به نام خدا قیام کرد، با یاد خدا مبارزه کرد، کلمات خدا را سرمشق زندگی خود قرار داد، قرآن و معارف الهی را از زبان یکی از برجسته‌ترین بندگان شایسته‌ی خدا - امام بزرگوارمان - شنید، آنها را به کار بست و توانست به عنوان يك ملت نمونه در دنیا ظاهر بشود.

شما امروز يك ملت نمونه هستید. خیلی از ملتها از شما سرمشق می‌گیرند، روشهای شما را مطالعه می‌کنند و شجاعت شما را می‌ستایند. این نعمت بزرگی بود که خدا به شما داد.

در این سالهای سخت مبارزه‌ی طولانی دوران پس از پیروزی انقلاب، ملت ما به بشریت خدمت کرد. شما خیلی از چشمها را در دنیا باز کردید. این قدرتهای استکباری، پرچم معنویت را خوابانده بودند. در دنیا خبری از دین و معنویت و اخلاق و وظیفه‌ی انسانی و نام خدا نبود؛ شما اینها را زنده کردید و برای عزت اسلام و عظمت دادن به نام خدا، سختی مبارزه را قبول نمودید.

امروز اگرچه قدرتهای استکباری در يك میدان بی‌رقیب و بی‌منازع، چهار اسبه می‌تازند، اما در دنیا کار به جایی رسیده است که بزرگترین قدرتهای استکباری هم از احساسات معنوی و دینی ملتها می‌ترسند! در مقابل قدرت بی‌مهار و بی‌رقیب امریکا، امروز تنها چیزی که ایستاده است و مقاومت می‌کند و امریکا را می‌ترساند، همین بیداری معنوی انسانهاست؛ بخصوص در مناطق اسلامی. این روح دینی و گرایش به معنویت که در میان بسیاری از ملتها پیدا شده است، اینها را شما کردید؛ مبارزه‌ی شما کرد.

ملت ایران جوهر خود را نشان داد. این حرکتی که ملت ایران شروع کرد و بحمدالله با قدرت ادامه دارد، روزبه‌روز ملتها را بیدارتر و هشیارتر خواهد کرد؛ آنها را به وظیفه‌ی خودشان آشنا خواهد کرد و به دشمنی ابرقدرتها بیشتر واقف خواهد نمود. آینده‌ی ملت ایران هم ان‌شاءالله آینده‌ی درخشانی است. هر ملتی با این روحیه حرکت بکند، آینده‌ی درخشانی خواهد داشت. این، نعمت الهی است؛ شکر این نعمت لازم است.



آنچه که ما باید فراموش نکنیم و همیشه به یاد داشته باشیم، این است که ببینیم وظیفه‌ی ما در این برهه‌ی از زمان چیست و در مقابل نعمت الهی چه وظیفه‌ی داریم. امروز وظیفه‌ی بزرگ ملت ایران، جهاد معنوی و جهاد اکبر است.

نبی اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از آن که از یکی از جنگ‌هایشان برگشتند و در آن جنگ هم پیروز شده بودند و مسلمانان خوشحال بودند که کار بزرگی انجام داده‌اند، به آنها فرمودند که شما از جهاد کوچک برگشته‌اید؛ حالا وقت جهاد بزرگ است. مسلمانان تعجب کردند و گفتند: جهاد با این سختی، راه به این دوری، گرمای تابستان، دشمن با آن عظمت، ما برگشتیم؛ این تازه جهاد کوچک است؟! پس جهاد بزرگ چیست یا رسول الله؟! فرمود: جهاد با نفس. این، جهاد بزرگ است.

ما ملت ایران باید به تهذیب نفس همت کنیم؛ خودمان را بسازیم، خودمان را تطهیر و پاکیزه کنیم و نفوسمان را با خدا آشنا نماییم. این جهاد، بزرگتر از هر جهاد ظاهری، با هر دشمنی و با هر عظمتی است. همه‌ی انبیای الهی آمده‌اند تا انسان را بسازند، او را از دست منیتهای خود نجات بدهند و از شر وسوسه‌های درونی خودش خلاص کنند. این شجاعت و این قدرت باید در ما به وجود بیاید، تا بتوانیم بر وسوسه‌های درونی خودمان غلبه کنیم و با هوای نفس خودمان - با آن شیطانی که در وجود ماست و اسم آن «من» است - مبارزه نماییم.

هر کدام از ما در درون خودمان و از وجود خودمان شیطانی داریم که همان «من» ماست، همان منیت ماست، همان خودخواهیها و هوسها و هوسرانیهای ماست. چه چیزی ما را از دست این شیطان نجات خواهد داد؟ جز اراده‌ی دینی و ایمان قوی و دلی که با تزکیه و اخلاق الهی آشنا شده باشد؟ این، خیلی قوت و شجاعت لازم دارد. شجاعت این مبارزه، بیشتر از شجاعت مبارزه‌ی با هر دشمن بیرونی است.

آنهایی که در مبارزه‌های با دشمنان بزرگ پیروز می‌شوند، کسانی را به خاک می‌نشانند و قدرتهایی را نابود می‌کنند، گرفتاری بزرگشان در مبارزه با نفس خودشان است. این غروری که به ما دست می‌دهد، این هوس و شهوتی که به ما عارض می‌شود، این غفلت و نسیان از یاد خدا که ما را فرا می‌گیرد، این شیطان صفتی‌یی که در معامله‌ی با برادرانمان، با جامعه‌مان و با حوادث دوروبرمان به ما عارض می‌شود، آن شیطان درونی است؛ این است که باید آن را علاج بکنیم.

بشر بیشترین ضربه را از همین هوس درونی و منیت خود خورده است. ذلت انسان هم ناشی از این است، تکبر انسان هم ناشی از این است. هم قدرتهای استکباری و فرعونها ضربه‌ی این منیت و فرمان نفس خودشان را خورده‌اند، هم آنهایی که زیر بار فرعونها رفتند.

چرا انسانهایی تن به مبارزه‌ی با طاغوت نمی‌دهند؟ چرا کسانی جرأت نمی‌کنند با امریکا بجنگند؟ چه چیزی مانع آنهاست؟ همین شیطان درونی؛ همین است که می‌خواهد دو روز بیشتر زنده بماند، راحت‌تر زندگی کند و راحت‌تر بخورد و بیوشد.

چرا در گذشته بسیاری از دانشمندان و افراد برجسته‌ی اجتماع، اسیر و دستخوش خواست قدرتهای استکباری شده



بودند، و حالا هم در کشورهای مختلف می‌شوند؟ چون اسیر نفس و راحت‌طلبی خودشان هستند. کسانی که اسیر راحت‌طلبی و شهوات نفسانی خودشان می‌شوند، اگر عالم و دانا باشند، خطر و ضررشان بیشتر، و لغزششان خطرناکتر است.

خدای متعال در قرآن کریم، «بلعم باعورا» را برای ما مثال می‌زند: «و لکنه اخلد الی الارض و اتبع هواه» (1)؛ انسانی که با معارف الهی آشنا بود، اما به زمین چسبید؛ یعنی برای دو روز بیشتر زندگی کردن و راحت‌تر خوردن، به زندگی خاکی، به هوسها و به خواسته‌های نفسانی خود چسبید. نتیجه‌ی این کار، پستی بود.

هم دولتهایی که در مقابل قدرتهای استکباری حرف خود را نمی‌زنند و از ملتهای خود دفاع نمی‌کنند، اسیر نفس خود، اسیر دو روز بیشتر سلطنت کردن و دو روز بیشتر در تخت قدرت باقی ماندن هستند، هم آن توده‌های مردمی که در مقابل قدرتهای استکباری قیام نمی‌کنند؛ آنها هم اسیر همان يك لقمه غذایی هستند که می‌خواهند از راه راحتی به آنها برسد؛ هیچ چیز دیگر برایشان مطرح نیست؛ این هم نفس است. پس ببینید، جهاد اکبر این است. اگر ملتی بخواهد راه عزت و شرف را، راه خدا را، راه زندگی بهتر را، راه رسیدن به آرمانهای مادی و معنوی را طی بکند، باید بر نفس خود مسلط باشد.

امروز ملت ما تجربه‌های بزرگی را گذرانده است؛ اما یکایک ما آحاد این ملت - و بیش از همه خود بنده، که از همه محتاج‌ترم - باید خودمان را اصلاح کنیم؛ باید با نفس خودمان مبارزه کنیم و با شیطان درونی خودمان بجنگیم، تا برای ادامه‌ی این راه با عظمت و با عزت - یعنی راه پیامبران - آماده بشویم. این شجاعت، بالاترین شجاعتهاست.

خیال نکنید که دشمنان اسلام از دشمنی با اسلام فارغ شده‌اند؛ خیر، روزبه‌روز مشغول توطئه هستند و اگر جای پایی پیدا کنند، هر لحظه يك قدم جلوتر می‌گذارند؛ باید به آنها فرصت نداد. البته اگر به آنها بگویند که شما قصد این خیانت و این جنایت و این سلطه‌گری را دارید، انکار هم می‌کنند؛ اما اگر فرصت پیدا کردند، يك خاکریز و يك سنگر جلوتر بیایند، می‌آیند. دشمن این‌طور است.

آن روزی که امریکا نیروهای خودش را وارد این منطقه کرد، ما از خلال حرفهایشان احساس کردیم که اینها قصد ندارند بیایند در این منطقه کاری بکنند و بروند؛ اینها می‌خواهند ژاندارم این منطقه باشند. گفتیم اینها می‌خواهند بیایند در این منطقه ماندگار بشوند. گفتیم اینها می‌خواهند این منطقه‌ی مهم و حساس و حیاتی را که همه‌ی دنیا تا چند سال دیگر محتاج این منطقه خواهد بود، زیردست خودشان داشته باشند. خلیج فارس برای دنیا حیاتی است. اینها می‌خواهند این منطقه متعلق به خودشان و زیر نظرشان باشد. ما آن روز این مطالب را گفتیم؛ اما شخصیت‌های امریکا فوراً مصاحبه کردند و یکی، دو نفر از آنها در سخنرانی و در مصاحبه گفتند که نه، ما نمی‌خواهیم در کویت بمانیم؛ ما خواهیم رفت. امروز ملاحظه کنید که در کویت مشغول ساختن پایگاه هستند؛ مشغول طراحی برای ماندن هستند. آن روز دروغ می‌گفتند، امروز هم دروغ می‌گویند؛ وجود آنها و سیاست آنها بر اساس دروغ بنا شده است.

دروغ می‌گویند که اظهار می‌کنند ما با اسلام طرف نیستیم؛ دشمن خطرناک اسلام همانها هستند. دروغ می‌گویند که ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنند؛ بزرگترین دشمن بشر و حقوق بشر، همین قدرتهای استکباری و امروز



شیطان بزرگ است. دروغ می‌گویند که بیان می‌کنند ما قصد دشمنی با ملت‌های منطقه را نداریم؛ می‌خواهند ملت‌های منطقه را اسیر و برده‌ی خودشان کنند. دروغ می‌گویند که تکرار می‌کنند ما ایران را دوست می‌داریم و مایل به روابط با ایران هستیم؛ اینها مایلند که مثل گذشته بر ایران حکومت کنند و همان بساط گذشته را در ایران درست کنند.

هیئات! گذشت؛ این ملت دیگر آن ملت نیست. این ملت، بیدار شده‌ی اسلام است. این ملت در هر جا و در هر حرکتی که احساس کند در آن میل و اراده‌ی قدرتهای استکباری است، مقابل آن خواهد ایستاد و تاکنون هم ایستاده است؛ بعد از این هم خواهد ایستاد و به فضل الهی و به حول و قوه‌ی خدا پیروز هم خواهد شد. این، وضع شیطانهای دنیاست.

هیچ ریشخندی نسبت به ارزشهای اسلامی تلختر و بالاتر از این نیست که امریکاییها ادعا کنند طرفدار حقوق بشرند! وضع فلسطینیها را ببینید؛ توطئه‌ی اینها علیه فلسطینیها را ببینید. آیا اینها می‌توانند طرفدار حقوق بشر باشند؟! خون در دل ملت‌ها موج می‌زند. هوشیاران و بیداران ملت‌ها دلشان می‌خواهد فریاد بکشند، حرفی بزنند؛ می‌خواهند پرچم عصیان علیه قدرتهای استکباری را برافراشته ببینند و پشت سرش راه بیفتند. این پرچم امروز در دست شماست؛ آن را محکم نگه‌دارید.

ملت ما در راه انقلاب، در راه امام، در راه اسلام، در راه مبارزه‌ی با استکبار خونخوار جهانی و قلدرهای دنیا، باید با استقامت باشد، باید هوشیار باشد، باید متحد باشد؛ باید يك لحظه در اتحاد عظیم ملت ایران خدشه و خللی وارد نیاید. هرکدام هر جای کشور که هستید، با هوشیاری و بیداری، وظیفه‌ی اول خودتان را دفاع از اسلام و انقلاب بدانید؛ پشت سر مسؤولان خدمتگزار و علاقه‌مند، در راه ساختن این کشور بزرگ و در مقابله‌ی با استکبار بایستید؛ خدا هم به شما لطف خواهد کرد.

امیدوارم که خداوند ان شاء الله به همه‌ی شما توفیق بدهد؛ ارواح طیبه‌ی شهدای ما را با اولیای خودش محشور کند؛ به جانبازان عزیز ما شفا مرحمت فرماید؛ به خودشان و خانواده‌هایشان صبر عنایت نماید؛ ان شاء الله از اسرا و مفقودان عزیز ما، خبرهای خوشی را به همه‌ی شما برساند و الطاف خودش را بر شما ملت عزیز نازل کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته